

abbreviation	شکل کوتاه	junction	اتصال - پیوند
absolute	مطلق - کامل	lattice	شبکه
absolutely pure	کاملاً خالص	lead (n)	۱- سرب ۲- مغزی
absorb	جذب کردن	lead to	منجر شدن به
absorbent	جذب کننده - جاذب	leak	نشستی - نشت
abundance	فراوانی - کثرت	leak testing	تست نشت
acceleration	سرعت دهی - تسریع	leakage current	جریان نشتی یا تراوشی
acceptable cost	هزینه می معقول یا قابل قبول	lifespan	طول عمر
acceptor	پذیرنده - گیرنده	lighten	روشن کردن
accessible	قابل دسترس	lighting	روشنایی
accessory	کمکی - یدکی - جانبی	lightning	رعدوبرق
accommodate	همراهی کردن - سکنی دادن - جادادن	limited	محدود
accomplish	موفق شدن - نائل شدن	linear system	سیستم خطی
accordingly	متعاقباً - در نتیجه	liquid-fueled	با سوخت مایع
accumulators	انباره - باتری انباری - مخزن	load	بار

accuracy	دقت	locate	قرار دادن - محل یابی کردن
achievable	دست یافتنی - انجام شدنی	logic gate	گیت منطقی
acoustic	صوتی	long-awaited	مدت ها مورد انتظار
acronym	حروف اختصاری اول کلمات	loop	مدار بسته یا حلقوی
activate	فعال کردن	loose	شل - رها - آزاد
activated	فعال شده	loss	افت - اتلاف - هدر رفت
actuated	راه اندازی شده	loss of quality	افت کیفیت
adjust	تنظیم کردن	lossless system	سیستم بدون اتلاف یا پر بازده
adjustable	قابل تنظیم	lost productivity	کاهش / افت بهره وری
advantage	مزیت	low sensing	تشخیص ضعیف
advent	شروع - ظهور - پیدایش	machinery	ماشین آلات
aerosol scattering	پراکندگی ذرات معلق در هوا	magneto resistive	مقاوم در برابر مغناطیس - نشان دادن مقاومت در شرایط مغناطیسی

aerospace	هوا فضا	magnetron	مغناطیسی الکترونیکی - مگنترون
affix	بستن - وصل کردن	magnitude	مقیاس - اندازه
aid	کمک (کردن)	maintain	نگهداری کردن - حفظ کردن
air ducts	مجاری هوا	maintenance	تعمیرات - نگهداری
air supply	ذخیره یا تامین هوا - منبع هوا	manipulate	کنترل کردن - دستکاری کردن
airborne	هواپرد - معلق در هوا	manufacture	تولید کردن
alarm state	وضعیت خطر یا هشدار	manufacturer	تولید کننده
alignment	چیدمان - آرایش	Maxwell's demon	آزمایش ماکسول
allowable	امکان پذیر - مجاز	measurement	اندازه گیری
allowable limits	محدودیت های مجاز - حداقل های مجاز	melting point	نقطه ذوب
alter	تغییر دادن - جابجا کردن	membrane	غشا - پرده
alternative	جایگزین - متناوب	merely	فقط - صرفاً

altitude	ارتفاع - بلندی	metal braid	نوار یا مغزی فلزی
amalgam bond	پیوند مرکب	metal rod	میله فلزی
ambient	محیطی - پیرامون	microminiaturization	کوچک سازی میکرونی
annular anode	اند حلقوی	military	نظامی
antepenultimate	سومی از آخر	minute /ma'nju:t/	بسیار کوچک
aperture	سوراخ	mismatch	ناهماهنگی
appliance	وسیله برقی	missile	موشک
application	کاربرد	mission	ماموریت - وظیفه
approach	نزدیک شدن - تقریب	mobilize	۱- تجهیز کردن ۲- به حرکت در آوردن
approximate	نزدیک شدن	moisture	رطوبت
approximately	تقریباً	molding	قالب ریزی
approximation	تقریب - نزدیکی	monitor (v)	کنترل کردن - نظارت کردن
apt to	مستعد	monolithic techniques	فنون یک پارچه
arc extinction	اطفاء جرقه یا قوس	motion	حرکت
armature inductance	ظرفیت القای مغناطیسی آرمیچر	mount on	نصب کردن روی

array	مرتب کردن - چیدمان	moving parts	قطعات متحرک
artificial intelligence	هوش مصنوعی	multimode	چند وضعیتی
assemble on	مونتاژ کردن - سوراخ کردن	multiple operation	عملکرد چندگانه
assembly	۱- مونتاژ ۲- دستگاه	multiply	تکثیر کردن - ضرب کردن (اعداد)
associated with	مرتبط با - همراه با	multitasking	چند وظیفه ای
astronauts	فضا نوردان	multitude	تعداد زیاد
attenuation	میرایی ، تضعیف	municipal suppliers	تامین / تهیه کنندگان داخلی / شهری
audible	قابل شنیدن	Mylar	لایه ی پولیاستری (مقاوم در برابر گرما)
authorization	مجوز - اجازه	narrow	باریک - محدود
automated manufacturing	تولید خودکار (بدون دخالت انسان)	narrow beam	پرتو باریک
auxiliary	کمکی - جانبی	natural process	فرایند طبیعی
back-facet monitor	نمایشگر نصب شده در عقب	navigation	مسیر یابی
backup (battery)	ذخیره - پشتیبان	neighbor	مجاور - همسایه
bandwidth	اعضای باند	neighboring atoms	اتم های مجاور
bare	لخت - بدون روکش	neutral	خنثی
bare live wire	سیم لخت برق دار	neutralize	خنثی کردن
baseband amplitude response	پاسخ دامنه باند پایه	node	گره - محل انشعاب
beam	پرتو - اشعه	notation	۱- مفهوم ۲- نماد
behave	عمل کردن	nozzle	دهانه - نازل - خروجی لوله
belt tension	کشش تسمه	nuclei/nucleuses	هسته ها
beneficial	مفید - سودمند	nucleus	هسته
bi-clad	دارای روکش دوبل	null	خنثی
bi-directional	دوطرف - دوجبهی	obey	پیروی کردن
bipolar	دوقطبی	obstacle	مانع
blender	مخلوط کن	offset	جبرانی - تعادل
blind (the)	نابینایان	offset voltage	ولتاژ جبرانی
blink	چشمک زدن	on purpose	عمدی
block	قطعه	on-board	نصب شده روی مدار -

			سوار
blow (fuse)	سوختن	opaque	مات
blower	دمنده - پنکه	operation	عملکرد
bond with	پیوند خوردن با	operational	عملی - کاری
boost	افزایش دادن - افزایش	opposite sign	علامت مخالف
bound (bind)	پیوسته - ملحق شده	optimization	بهینه سازی
branching	منشعب - شاخه ای	optimize	بهینه سازی کردن
breakdown	خرابی	option	انتخاب - گزینه
breaker points	نقاط قطع شونده	outlet	پریز
brightness	روشنایی	overall efficiency	اثر بخشی کلی
bring about	باعث...شدن	overexposure	تماس بیش از حد
broad band	۱- باند عریض ۲- پهنای عریض	overlap	هم پوشانی داشتن
brush	۱- برس ۲- جاروبک ۳- ذغال دینام	parallel	موازی
bubble memory	حافظه حبابی یا اسفنجی	particle	ذره
buck	کاهنده	particulate	دارای ذرات ریز
buffer	بافر	pass through	عبور کردن از
build up	انباشت - تجمع	passage	راه - مسیر
built-in	داخلی - درون	pass-band	باند عبور
building block	جزء یا قطعه سازنده	passive elements	اجزای غیر فعال
bulkiness	بزرگی - تنومندی	passive motion detector	اشکار ساز حرکتی ساکن
bulky	حجیم - جاگیر	patent owner	صاحب امتیاز
buoy	جسم شناور (به عنوان راهنما) - بویی	path	راه - مسیر
calculations	محاسبات	peak	اوج
calibrate	درجه بندی کردن - کالیبره کردن	peak power	توان حداکثر
cap	درپوش	penultimate	یکی به آخر مانده - از آخر دومی
capable of	مستعد - توانا	performance	عملکرد - اجرا
capacitate	توانمند ساختن	permanent	پایدار - ماندگار
capacitive	خازنی	perpendicular	عمود - قائم
capacitor	خازن	phase inversion	جابجایی فاز با نول

capacity	ظرفیت	phased-array radar(161)	رادار دارای جریان مرحله به مرحله شده
carry	حمل کردن - منتقل کردن	phenomenal (very great)	فوق العاده - شگفت انگیز
cavity	حفره	phenomenon	پدیده
cellular	بی سیم	phosphor dot	نقطه فسفری
cellular phone	تلفن موبایل یا همراه	photo-excited electron	الکترون تحریک شده با نور
certain load	بار مشخص یا معین	photosensitivity	حساسیت به نور
chopped	قطعه قطعه - متناوب شده	pick up	جذب کردن
chopper	مدار یا کلید قطع کننده	ping	صدای غرغر
choppy	موج دار - متغیر - پر موج	pioneer	اختراع کردن - پیشرو بودن
circuitry	شبکه مداری - مداربندی	plant side power supply	منبع انرژی ثانوی نیروگاه
circumstance (s)	وضعیت	plastic enclosures	محفظه های پلاستیکی
circumvent	اجتناب کردن - دورزدن	plate	صفحه - روکش

cladding	روکش کاری - آب کاری	plated	روکش شده
clay	گل رس - سفال	plentiful	فراوان - به وفور
closely packed	محکم بسته شده	plenum	محفظه دارای فشار هوا
coefficient	ضریب	point out	نشان دادن - متذکر شدن
collision	برخورد - تصادم	porous matrix	شبکه سوراخ دار یا پر منفذ
combination	ترکیب	portable	قابل حمل
commercial	تجاری	portion	قسمت - بخش
common	معمول - رایج - مشترک	position-sensitive	حساس به موقعیت
commutator	کمو تاتور - رسانگر برقی	power consumption	مصرف انرژی
compact	فشرده - کوچک	power grid	شبکه برق
comparator	دستگاه سنجش	practitioner	پیشگام - مخترع
compass	قطب نما	preceding	قبلی - سابق
compatibility	سازگاری	precise	دقیق
compensate	جبران کردن	precision	دقت
complementary	کامل کننده - مکمل	predetermined	از پیش تعیین شده

complex variable	متغیر مرکب	premium	ممتاز، مرغوب
component (n) (adj)	جزء - مولفه - سازنده	preservation	نگهداری - محافظت
composed of	تشکیل شده از	prevalent	رایج - متداول
compressed	فشرده	prevent	بازداشتن - خوداری کردن
comprise	تشکیل شدن از - شامل شدن	previously	سابقاً - قبلاً
computational	محاسباتی - کامپیوتری	primary function	وظیفه / کاربرد اصلی
concave	مقعر	prime	اصلی - مهم - اولیه
conceive	تصور کردن	prime cause	علت اصلی
concentrator	تصفیه کننده - غلظت دهنده	primitive	ابتدایی - اولیه
conclusive results	نتایج قطعی	principle	اصل - قانون
condenser	خازن - چگالنده - سردکننده	prior to	قبل از
conditioning	تنظیم - شرطی سازی	private power	برق اختصاصی / شخصی
conductance	رسانایی - هدایت - ضریب رسانش	probability	احتمال - احتمالات
conductive	رسانا - هادی	process	فرایند
configuration	پیکره بندی - شکل	process	پردازش کردن

confined	محدود - محاصره شده	productivity	زیایی - تولید
confirm	تائید کردن	progressive	تصاعدی - پیش رونده
confront	مواجهه شدن - روبرو شدن	prohibitive	بازدارنده - گران قیمت
consecutively	پی در پی	project	پروژه - بیرون زدن
consequently	در نتیجه	properties	مشخصات - ویژگی ها
constant	ثابت - پایدار	property	مشخصه - ویژگی
constituent	جزء - مولفه - سازنده	proportional	متناسب - نسبی
constitute	تشکیل شدن از - تشکیل دادن	proportionate	متناسب - درخور
construct	ساختن	propulsion	رانش - نیروی محرکه
consumable	مصرفی - تمام شونده	protection	محافظت
consume	مصرف کردن	prototype	نمونه اصلی
consumer	مصرف کننده	prove	تائید کردن - ثابت کردن
consumer electronics	الکترونیک مصرف کننده (خانگی و اداری)	provided (that)	به شرط اینکه
consumerism	مصرف گرایی	provided the	به شرط اینکه

contemporary	معاصر - جدید	provisions	امکانات - تمهیدات
continental regions	مناطق قاره ای	pseudo	شبه - شبیه
continuation	تداوم - ادامه	pulse compression	تراکم ضربه یا پالس
continuous	مداوم	purchase	خریدن
contribute	کمک کردن - مشارکت کردن	purchased	خریداری شده
control token	رمز / نشانه کنترل	pure	خالص
convection	انتقال - همرفت	pure conductor	رسانای خالص
convenient	راحت - مناسب	push back	پس زدن - عقب زدن
conventional	معمولی - سنتی - رایج	pyrometer	آذرسنج - وسیله سنجش حرارت بالا
convertibility	قابلیت تبدیل پذیری	quadratic	۱- درجه دوم ۲-مربعی
copper	مس	quantum process	فرایند کوانتومی
cordless	بی سیم	quote	نقل قول کردن
corona	کورونا (نوری که پیش از جرقه بین دو قوس الکتریکی تولید می شود)	rack mount	نصب چنگکی

corresponding to	مطابق با	radial sealing system	سیستم آب بندی شعاعی
cost-effective	مقرون به صرفه	radiation	تشعشع - تابش
counter logic	منطق شمارنده	rate	سرعت - میزان - مقدار
coupled	تزوید شده - چفت شده	ratio	نسبت
cracked bodies	بدنه های شکسته شده	ratio metric transmitter	فرستنده با نسبت متریک
crank-shaft rotation	دوران میل لنگ	razor	تیغ تراش - ریش تراش
credit	امتیاز - نمره - درجه - اعتبار	readout	خروجی قابل خواندن یا مشاهده
criterion (pl. criteria)	معیار - ملاک	reciprocal	معکوس
cross-linked	ارتباط متقاطع	recommend	توصیه کردن
crosstalk	انتقال ناخواسته سیگنال ها	recovery time	زمان احیا یا بازگشت
crude	خام - بی تجربه - ابتدایی - ناقص	rectangular	مستطیلی
cuk /chook/	میدل چوک	reduce	کاهش دادن
currently	در حال حاضر	reduced cost	هزینه کاهش یافته
curve	خم - انحنای	reduced to practice	تبدیل شده